**انترناسیونال ۷۰۷**

**پیرامون قطعنامه رشد گرایش چپ در جنبشهای اعتراضی**

**دو سوال از کاظم نیکخواه**

**انترناسیونال:** قطعنامه "رشد گرایش چپ در جنبش های اعتراضی"، شاخص هایی را بعنوان به چپ چرخیدن اعتراضات اجتماعی مطرح می کند. مثل مبارزه سیاسی با مذهب، رشد همبستگی میان بخشهای مختلف مردم، ثقل سیاسی کارگر و جنبش کارگری و امثال اینها. آیا این شاخص ها نمیتواند از طرف گرایشات راست مثل بخش های ناراضی و بیرون از قدرت و حکومت مطرح باشد؟ تفاوت ها در کجا است؟

**کاظم نیکخواه**: تفاوت جدی ای میان جریانات راست و چپ در این رابطه وجود دارد. آن شاخصهایی که اشاره شده تحولاتی مهم در جامعه است که هیچکدام باب طبع نیروهای راست نیست. آینده جامعه به دلیل همین تحولات میتواند آینده بسیار انسانی تر و متمدنانه تری باشد. برای مثال در قطعنامه اشاره میشود که امروز در جامعه مذهب دارد بصورت طبقاتی و سیاسی نقد میشود یعنی آخوند مظهر دزدی و حقوقهای نجومی و در خدمت مفتخوران است. الان وسیعا در میان مردم بحث میشود که از احادیث و اسلام و قرآن و محمد برای توجیه ثروتهای نجومی و املاک نجومی و مفتخوری دارد استفاده میشود. همین نقد مذهب به این شکل را اگر دقت کنید یک جنبه از واقعیتی که قطعنامه اشاره میکند را جلوی چشم میگذارد. این دقیقا یعنی نقد مذهب از موضع چپ و سوسیالیستی. هستند کسانی که در سنت راست مذهب را نقد میکنند و بفرض میگویند "آخوند شپشو" که قبلا دو تومن میگرفت و روضه ای میخواند الان بجای "تیمسارها و تحصیلکرده ها" شده آقا بالا سر جامعه. یا بفرض ناسیونالیستها اسلام را به دلیل اینکه ریشه عربی دارد و ایرانی نیست مورد نقد قرار میدهند و مذهب "ایرانی و اهورایی" را تبلیغ میکنند. اینها دو نمونه تیپیک نقد کاملا متفاوت اسلام و مذهب است. که حتما بارها شنیده اید.

یک شاخص دیگر که اشاره میشود رشد و گسترش همبستگی میان کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان و بیکاران است. این از کجا آمده؟ نه ناسیونالیستها و قومگرایان نه ملی اسلامی ها این نوع همبستگی را تبلیغ نمیکنند. برعکس ناسیونالیستها و سلطنت طلبان مدام "ایرانیت" را باد میزنند، ملی اسلامی ها اسلامیت و همبستگی "امت مسلمان" را تبلیغ میکنند و قوم گرایان هم علیه "فارسها" یا "ترکها و کردها" و اقوام دیگر تفرقه پراکنی میکنند. فضای جامعه اما به سمت همبستگی میان بخشهای مختلف کارگران و معلمان و پرستاران و بیکاران و مردم زحمتکش مستقل از انتساب آنها به ملیت و قومیت و حتی جنسیت پیش میرود. این تحولی فقط در سنت چپ است، بخش اصلیش نتیجه فعالیت چپ و به نفع چپ است.

در قطعنامه گفته شده که در جامعه ثقل سیاسی جنبش کارگری و کلا طبقه کارگر بالا رفته. ده سال قبل کارگر و جنبش کارگری این جایگاه و احترام و منزلتی را که الان در جامعه دارد دارا نبود. این به دلیل اینست که الان اساسا چپ دارد گفتمان غالب جامعه را رقم میزند. راست نگاهش به کارگر در بهترین حالت "بعنوان طبقه مظلوم" است که باید در موردش دلسوزی داشت نه بعنوان طبقه ای که باید آینده جامعه در دستهایش باشد. حتی در جنش سرنگونی ما دو نوع گرایش را آشکار می بینیم. یک بخش از مردم میگویند جمهوری اسلامی باید با انقلاب مردمی دیگری سرنگون شود که این گفتمان چپ است. و عده ای هم میگویند آمریکا باید بیاید و ایران را بمباران کند و حکومت را از دست آخوندها بیرون بکشد. الان حتی به روی کار آمدن یک فاشیست تمام عیار مثل ترامپ دخیل بسته اند و آنرا تبلیغ میکنند. این سرنگونی طلبی از موضع راست است که هر روز به جامعه ایران بیربط تر میشود. بقیه تحولاتی که اشاره شده مثل دفاع از ارزشهای جهانشمول، دفاع از حرمت و منزلت فردی و گسترش جنبش ضد سرمایه نشان دهنده سمتگیری فضای اعتراضات جامعه به سمت چپ را نشان میدهد که برای آینده انسانی این جامعه بسیار مهم است.

**انترناسیونال**: تعمیق و گسترش روند گفتمان سوسیالیستی و نقش طبقه کارگر در جنبشهای اجتماعی چگونه می تواند به پیش برده شود؟ برای حزب چه نقشی قایل هستید؟

**کاظم نیکخواه:** خود این روند و تاکیداتی که قطعنامه کرده حدودا نشان میدهد که تعمیق گفتمان سوسیالیستی به چه معناست. حزب نقش زیادی در ایجاد همین تحولاتی که اشاره شد داشته است و باید بتواند به نماینده این تحولات تبدیل شود و به این روند تعین چپ و سوسیالیستی بدهد. یعنی به مردمی که دارند در سنت چپ و انسانی اعتراض و مبارزه میکنند پرچم و راه و افق بدهد. خنثی کردن و حاشیه ای کردن جریانات راست مثل ناسیونالیستها و قوم پرستان و سلطنت طلبان و جریانات مدافع مذهب و اسلام یک گام مهم است. دامن زدن به گفتمان های چپ در جامعه مثل انقلاب کارگری، همبستگی طبقاتی، دادن تصویر واقعی و ملموس از افق سوسیالیستی، نقد مداوم سیستم سرمایه داری، دامن زدن به جنش دفاع از حقوق گسترده شهروندی، و همچنین گسترش گفتمان شورایی، اینها جنبه هایی از کارهای مهمی است که باید انجام شود.

یک سرمایه داری هار و بی رحم دارد در این جامعه حکومت میکند و این ما کمونیستها هستیم که میتوانیم به میلیونها کارگران و مردم زحمتکشی که فریادشان از ستم سرمایه بلند است، افق و راه رهایی از رنجهایشان را نشان دهیم. من فکر میکنم جامعه آشکارا چپ را مطلبد. پاسخ ضد سرمایه داری میخواهد. پاسخ انسانی میخواهد. یک چپ جدی و واقع بین و پا در زمین میتواند بسرعت جای خودرا در فضای سیاسی جامعه ایران باز کند. تعمیق گفتمان سوسیالیستی معنایی جز این ندارد. حزب کمونیست کارگری باید این وضعیت را ببیند. باور کند. جدی بگیرد. و برای گسترش آن و برگشت ناپذیر کردن آن تلاش کند. ما از نظر سیاست و تئوری و استراتژی حزب چنین کاری هستیم. باید از نظر عملی و سازماندهی هم به حزب چنین تحول جدی ای در جامعه تبدیل شویم.

قطعنامه "رشد گرایش چپ در جنبشهای اعتراضی" که در کنگره اخیر حزب با اتفاق آرا تصویب شد این امیدواری را میدهد که حزب کمونیست کارگری بتواند فعالانه حزب این اوضاع باشد و روند تحولات به سمت یک آینده انسانی و آزاد را بتواند هدایت کند.